

!ترین نوع خشونت علیه زنان خشونت فیزیکی؛ پنهان



عکس: مهرخانه

مان‌شناختم. مشکل اصلی‌های بزرگ هستم. دو بچه کوچک دارد و همسرم را از قبل از ازدواج می‌خودم شاغل و مدیر یکی از شرکت‌ها می‌شناسم. ترسیده‌ام. نگران تربیت و آینده‌اند، این مسئله برایم جدی‌تر شده‌ها بزرگ. حالا که بچه... پرخاشگری همسرم در دعواهاست موقع دعوا و عصبانیت همسرم شروع به فحاشی و پرت کردن وسایل شکستنی خانه می‌کند و در نهایت مرا کتک زده و از خانه بیرون می‌اندازد. چند بار با لباس خانه پشت در مانده‌ام و همسایه‌ها می‌بینند.

خشونت جسمانی و فیزیکی معمولاً یک راز خانوادگی تلقی شده و جز همسایه‌ها آن هم در مواردی خاص، کسی از آن باخبر نمی‌شود. میزان این پنهان‌ماندگی ناشی از شرم و خجالت قربانی، با افزایش تحصیلات و طبقه اجتماعی او بیشتر می‌شود. این بدین معنی است که هر چه دختر یا زنی که تحت خشونت خانگی پدر، برادر یا همسر خویش است، از منزلت اجتماعی بیشتری به واسطه سطح تحصیلات، برخورداری باشد، بیشتر سعی در پنهان و مخفی کردن آن دارد. ... شغل، ثروت و

دهد تا مبادا کسی از مورد خشونت قرار گرفتن او مطلع شود. به همین دلیل، در چنین شرایطی فرد به هر خشونت‌ت‌ن می‌مهرخانه به گزارش است که در جمع‌های زنانه و کارگاه‌های آموزشی مرتبط، افراد راحت‌تر و زودتر به برون‌ریزی در مورد روابط خشونت‌آمیز روانی، اجتماعی و البته جنسی از حوزه‌های جسمی‌دهند، اما صحبت از خشونت و مالی که نسبت به آنان در خانواده و جامعه اعمال شده است، تن می‌ممنوعه و انکار شده است.

کند. صرف تحمل و صبوری و مدارا بارها بغرنج می‌های جسمی‌نکردن در رابطه با موضوع، بحث خشونت‌ماندن و صحبت‌همین پنهان مردی که اعمال خشونت جسمانی و استفاده از قدرت بدنی برایش معمول شده است و به جای حرف زدن و منطق، برای خالی کردن خشم خود به استفاده از ابزار خشونت‌آمیز و قدرت بدنی روی می‌آورد، نه تنها کمکی به حل موضوع نمی‌کند، بلکه در بلندمدت احتمال ضرر جانی را برای قربانی داشته و حتی ممکن است به مرگ او منتهی شود.

همچنین از دیگر ویژگی‌های این نوع خشونت همراه بودن آن با دیگر انواع خشونت‌های روانی و اجتماعی است؛ چراکه اساس خشونت فیزیکی تحقیر روانی فرد و کاهش عزت نفس او در مرتبه‌ای بسیار پایین‌تر از شأن و کرامت انسانی است. به دلیل همه پیامدهای جانی، روانی و اجتماعی خشونت فیزیکی، می‌توان مدعی شد اعمال خشونت فیزیکی به هیچ‌وجه قابل توجیه و قابل قیاس با کنش‌ها و (شود، نیست.) که خشونت نامیده می‌... های زنان در هنگام دعوا (داد و فریاد، گریه، فحش دادن و واکنش

آسیب‌دیدگان خشونت خانگی به کجا مراجعه می‌کنند؟

سازمان بهداشت جهانی خشونت را به این صورت تعریف می‌کند: استفاده عمدی از نیروی فیزیکی یا قدرت، با تهدید یا تمایل، علیه خود یا دیگری، گروه یا جامعه که موجب بروز آسیب، مرگ، آسیب‌های روانی، ضعف رشد و یا انواع حرومیت‌ها گردد.

همچنین خشونت خانگی، شامل انواع خشونت (جسمی، جنسی، روانی و مالی) از طرف کسانی است که با قربانی نسبت نسبی یا سببی شود. این‌توانند به آن مراجعه کنند، شامل دو دسته می‌و فیزیکی می‌دارند. در همین راستا مراکزی که زنان قربانی خشونت جسمی تقسیم‌بندی نسبت به اقدامی که قصد انجام آن را دارند، صورت می‌گیرد.

1. اگر قصد شکایت قانونی و گرفتن طول درمان یا درخواست طلاق دارند، مراجعه به کلانتری محل سکونت در اولویت است.
2. در صورتی که قصد مشاوره گرفتن و مشورت در مورد راهکارهای مواجهه با خشونت‌های همسر و بهبود زندگی مشترک را دارند، باید به مراکز مشاوره و مددکاری، کلینیک‌های روانشناسی اعم از دولتی و خصوصی مراجعه کنند. همچنین در دسترس‌ترین مرکز دولتی برای حمایت‌های قانونی و مشاوره‌ای که قربانی بتواند از منزل هم به آن دسترسی داشته باشد، سامانه اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی با شماره 123 است که موارد ارجاع همسرآزاری را گزارش و پیگیری می‌کند.

سامانه 123 یا اورژانس اجتماعی که شکل‌یافته‌ترین مرکز برای ارجاع خشونت‌دیدگان است، در تعریف هدف خویش از تأسیس چنین های متعدد تدوین شده است و از گویی به نیازها و مشکلات آحاد جامعه راهکارها و برنامه‌ها در جوامع مختلف با هدف پاسخ نوشته است: روش‌های مختلف برای رسیدن به هدف مذکور بهره گرفته می‌شود، که با گذشت زمان این برنامه‌ها و روش‌ها متنوع و پیشرفته‌تر شده است. جامعه مانیز از این قاعده مثنی نبوده و نخواهد بود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در گذشته ارائه خدمات به مردم فقط از طریق مراجعه افراد به مراکز و مؤسسات میسر بوده که این شرایط موجب تأخیر و یا کندی در ارائه و دریافت خدمات می‌شده است، اما امروزه سازمان بهزیستی با بهره‌گیری از تکنولوژی و با هدف تسهیل در معرفی و ارائه خدمات به گروه‌های هدف و در دسترس قرار دادن امکانات و خدمات به آنها، در پی آن است تا در کوتاه‌ترین زمان و به بهترین شکل خدمات خود را به مردم و گروه‌های هدف سازمان معرفی و ارائه کند و مداخلات خود را از مرکز محوری به جامعه محوری تغییر داده و از نظام خدمات اجتماعی پویا استفاده کند. این ضرورت از آنجا ناشی می‌شود که مسایل و آسیب‌های اجتماعی رشد روزافزونی در جامعه داشته است؛ به طوری که مراکز و فعالیت‌های موجود، پاسخ‌گوی نیازها نبوده‌اند.

در همین راستا دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی از سال 1383 اقدام به راه‌اندازی خط تلفن اورژانس اجتماعی با شماره سه رقمی بسیار آسان که فراگیری آنها برای همه مردم به آسانی میسر است (خط 123 یا خط یک، دو، سه) نموده است که در ابتدا با موضوع انجام مداخلات برای موارد کودک‌آزاری آغاز به کار کرد. در سال‌های اخیر با توجه به حمایت‌های خاص سازمان بهزیستی و امکانات و امکانات های کشور (30 استان) تحت پوشش این خط قرار دارند و این فعالیت از حوزه خاص مراکز استان شده، تمامی تجهیزات فراهم - همسران آزار دیده - دیده اجتماعی از جمله: کودکان آزار دیده‌های در معرض آسیب و آسیب‌آزاری فراتر رفته و سایر گروه کودک کودکان - اندافردی که قصد خودکشی دارند یا اقدام به خودکشی کرده - های خانگی سایر خشونت - آزاری معلول - سالمندآزاری های اجتماعی در بردختران در معرض آسیب - دیده اجتماعی زنان و دختران آسیب - دختران و پسران فراری از منزل - خیابانی و کار می‌گیرد. این خط در حال حاضر در سراسر کشور (147 خط در 139 شهرستان) فعال است.

یک نفر مددکار اجتماعی و یک نفر روان‌شناس با مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر در 2 شیفت صبح و عصر آماده پاسخ‌گویی به تماس‌ها هستند. در استان تهران این تیم 2 نفره در سه شیفت صبح، عصر و شب مشغول به خدمت‌اند.

ارائه خدمات تخصصی مددکاری اجتماعی و روان‌شناسی خط 123، از طریق مداخلات تخصصی تلفنی و ارائه راهنمایی‌های لازم به تماس‌گیرندگان و همچنین ارجاع افراد به مراکز ذی‌صلاح با توجه به نوع مشکل مطرح شده است. در مواقع لزوم و بسته به نوع مشکل، کارشناس این خط با هماهنگی مسئول مرکز مداخله در بحران‌های اجتماعی، مورد را به تیم خدمات سیار اورژانس اجتماعی اطلاع داده و "گردند. تیم با خودروهایی مخصوص این فعالیت، جهت بررسی مشکل و ارائه خدمات لازم به محل اعزام می‌شود."

همچنین مؤسسات خصوصی مشاوره‌ای در این حوزه بسیار وسیع هستند؛ اگرچه معمولاً مراجعانی که دقیقاً برای مشاوره گرفتن در ارتباط با موضوع خشونت خانگی، بسیار کم هستند. در واقع بیشتر مراجعین پس از مراجعه از بابت موضوع دیگری مانند تحصیل فرزندان یا پردازند. از طرف دیگر مرکز خاصی جهت رجوع قرار گرفتن خویش هم می‌تواند به گفتگو در مورد تحت خشونت جسمی... مشکلات اعتیاد و قربانیان خشونت خانگی به صورت خاص در کشور موجود نیست و عدم وجود آگاهی زنان از امکان مشاوره گرفتن برای کاهش خشونت و بهبود زندگی مشترک و همچنین هزینه‌های گزاف آن، موجب عدم رجوع زنان خشونت‌دیده به مؤسسات مشاوره‌ای می‌شود.

یک افسانه رایج در زمینه خشونت خانگی

افسانه رایج و معروفی در رابطه با خشونت خانگی از نوع فیزیکی وجود دارد که بدین شرح است:

دو نم چکارپرسه: چه اتفاقی افتاده؟ خانم در جواب می‌گه: دکتر، دیگه نمی‌سراغ دکتر میره. دکتر می‌زنی با سر و صورت کبود و زخمی کنم. هر وقت شوهرم مست میاد خونه، منو زیر مشت و لگد له می‌کنه. دکتر گفت: خب دوای دردت پیش منه، هر وقت شوهرت مست اومد خونه، یه فنجون چای سبز بردار و شروع کن به قرقره کردن. و این کار رو ادامه بده. دو هفته بعد اون خانم با ظاهری سالم و سرزنده پیش دکتر برگشت. خانم گفت: دکتر، پیشنهادتون فوق‌العاده بود. هر بار شوهرم مست اومد خونه، من شروع کردم به قرقره کردن چای و "!!بینی اگه جلوی زبونت رو بگیری خیلی چیزا حل میشن شوهرم دیگه به من کاری نداشت. دکتر گفت: می‌شود."

آنچه در این نوع افسانه و داستان ظاهراً پندآموز مورد غفلت قرار گرفته است، اول مسئله توجه‌ناپذیری خشونت و خصوصاً شکل فیزیکی

آن و دوم اهمیت مسئله یادگیری و اکتسابی بودن اعمال خشونت و متهم بودن فرد اعمال کننده است. بدین معنا اولاً خشونت را نمی توان به هیچ دلیلی توجیه کرد و ثانیاً اینکه افراد طی زندگی یاد می گیرند برای پیشبرد خواسته ها و انتظارات خود به خشونت فیزیکی روی بیاورند. این یادگرفتن و اعمال خشونت، مسئله ای است که نمی توان در رابطه با آن قربانی را متهم کرد، مسئولیت اعمال آن را بر گردن وی انداخت و برای کاهش و تحدید خشونت به او راهکار ارائه داد. بلکه در این راستا باید متهم واقعی و اعمال کننده خشونت، خود را کنترل کرده تا تحت هیچ شرایطی دست به اعمال خشونت نزنند. ارائه راهکارهای این چنینی تنها قربانی را مقصر در اعمال خشونت دانسته و در واقع اساساً اهمیت فرد متهم را در اعمال خشونت فراموش می کند؛ بحثی که منجر به تکرار و تداوم خشونت می شود.

اعتیاد و طلاق، اصلی ترین دلایل و پیامدهای خشونت جسمی

دختر جوان هنوز 30 سالش نشده که در تکاپوی طلاق افتاده است. چند ماهی است منزل مادرش رفته و حالا برای مشاوره نزد یک وکیل گوید: داند و می های همسرش که ناشی از شک و بدبینی است، می ترین علت درخواست طلاقش را کتک حقوقی آمده است. وی اصلی گذرد. قبل از آن هم 1 سالی با هم دوست بودیم. هر دو لیسانس و شاغل هستیم. آدم رویش 2 سال از ازدواج و 4 سال از عقده مان می نمی شود به دوست و همکار بگویم. از دور هر کس می بیندش می گوید چه پسر معقولی است، اما از بعد از عقد رفته رفته کتک های کم کاملاً جدی شد. بدبین و عصبی و شکاک کم! گفت شوخی کردم کاری می اش شروع شد. اوایل بعد از دعوا و کتک شوخی شوخی است. اگر به حرفش گوش نکنم و بحث مان شود، انتظار هر رفتاری را باید داشته باشم. حالا بالاخره بعد از کلی کلنجار رفتن با خودم تصمیم قطعی ام را گرفته ام که به خانواده بگویم و برای زندگی ام فکر جدی بکنم. آخرین کتک کاری اش بدجور مرا ترساند. چنان سیلی آمد، خورد و بلایی سرم می به صورتم زد که کنار تخت افتادم و در همان لحظه فکر کردم اگر سرم یا صورتم به گوشه تخت می محکمی بهتره این زندگی رو تمومش... شده که دفعه آخره و باز تکرار می هر دفعه قول می ... نه دیگه واقعاً صبر فایده نداره ... کردم؟ باید چه می ..."

8 سال" گوید: داند و می زن جوانی که در مرکز مشاوره منتظر نوبتش نشسته است، علت مراجعه خود را اعتیاد شوهرش و مشکلات آن می ام ببینم حالا امروز آمده ... ایم و جواب نداده گذرد و شوهرم همیشه معتاد بوده است. بارها برای ترک دادنش اقدام کرده مان می از ازدواج حلی دارد؟ مشاور راه

از اوایل ازدواج دست بزن داشت و مرا" گوید: شود و از دیگر مشکلات مرتبط با اعتیاد شوهرش می بعد سر درد و دل زن باز می کمی می زد. با دست با کمر یا هر چیزی دم دستش بود سمت من پرتاب می کرد. این حالت ها موقع خماری اش خیلی بیشتر می شد. اما الان بیشتر نگران بچه هایم هستم. دو بچه داریم و حالا آن ها را هم شدید می زند. از ترس جان بچه ها این چند ساله سعی کرده ام بیشتر کمپ زن که تنها 26 "ام ببینم مشاور راهکاری دارد؟ امروز آمده ... فایده خواهد و دردسر دارد و بی اش کنم که آن هم پول می ترک اعتیاد بستری سال دارد، یک بار دستش شکسته، یک بار بینی اش و چند تا از دندان هایش بابت همین کتک ها لق شده است، اما در حال حاضر بیشتر نگران دختر 7 ساله و پسر 4 ساله اش است.

کند که به همسرش تعریف می اش تمام شده و در حال ترک مرکز مشاوره است، داستان دیگری از خشونت جسمی زن دیگری که مشاوره قول خودش نمی تواند برای آشنا تعریف کند و این صحبت با یک غریبه برایش حکم درد و دل را دارد. از علت مراجعه اش به مشاور ام با همسر ام مشکل اصلی ... ام و البته تربیت فرزندانم آمده برای گرفتن مشاوره در مورد زندگی شخصی" گوید: پرسم که می می که قبول نمی کند مشاوره بیاید. خودم شاغل و مدیر یکی از شرکت های بزرگ هستم. دو بچه کوچک دارد و همسرم را از قبل از ازدواج تر شده است. اند، این مسئله برایم جدی تر شده بزرگ. حالا که بچه ... مان پرخاشگری همسرم در دعوا هست شناختم. مشکل اصلی می نگران تربیت و آینده شان هستم. موقع دعوا و عصبانیت همسرم شروع به فحاشی و پرت کردن وسایل شکستی خانه می کند و در نهایت مرا "ند. ها به دادم رسیده ام و همسایه کند. چند بار با لباس خانه پشت در مانده کتک زده و از خانه بیرون می

ام بگویم. از ابتدا هم با ازدواج ما مخالف کنم به خانواده جرأت نمی" گوید: وی در مورد اطلاع اطرافیان از این اقدامات همسرش می بودند. حالا هم همین جوری مشکلات ما را می بینند، می گویند طلاق بگیر چه برسه به اینکه بفهمند شوهرم مرا کتک می زند، اما من شوهرم را دوست دارم و خصوصاً اینکه دو دختر هم داریم. اصلاً قصد جدایی ندارم، اما سعی می کنم وضعیت را بهتر کنم. نمی خواهم دخترانم از دیدن این صحنه ها لطمه بخورند، اما متأسفانه بیشتر اوقات شاهد دعواهای ما و کتک های پدرشان هستند. با موقعیتی که من دارم هم ... امیدم فعلاً به خدا و مشاوره است ... توانم دردم را به کسی بگویم نمی

اهمیت وجود مراکز حمایت از قربانی و آموزش برای اعمال کننده خشونت

به گزارش مهرخانه، در واقع برای پیشگیری و کاهش خشونت خانگی بهترین و کم هزینه ترین راه آموزش است؛ چرا که پیامدهای خشونت خانگی جسمانی که کمترین آن طلاق و همسرکشی و جراحات منجر به نقص عضو است، آن چنان هزینه های مادی و معنوی برای جامعه تر و البته کارآمدتر و مفید در نظر گرفته شود. هزینه تواند بسیار کم می دارد که آموزش عمومی

آموزش قربانیان و متهمان به صورت توأمان راهی جدی در راستای کاهش خشونت خانگی و هزینه های خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی

آن است؛ گرچه در کنار آن می‌توان از اهمیت وجود مراکز حمایتی از زنان آسیب‌دیده خشونت نیز نام برد. وجود چنین مراکزی می‌تواند امنیتی برای زنان فراهم کند که در صورت وجود مشکل جدی در خانواده، به آن پناه ببرند.

همچنین در رابطه با آموزش، قابل توجه است که بهترین موقعیت و زمان آن، اختصاص بخشی از دروس مدارس و دانشگاه‌ها به بحث‌های کنترل خشم و مضرات و پیامدهای خشونت است، اما در فقدان این مهم، چند سالی است شهرداری تهران اقدام به برگزاری کارگاه‌های کنترل خشم برای زنان در سراسر محلات تهران کرده است.

در کارگاه‌های کنترل خشم که طی یک ماه در سال به صورت هم‌زمان در سراهای محلات برگزار می‌شود، از زنان دعوت می‌شود به صورت رایگان در این کلاس‌ها شرکت کرده و بحث‌های راجع به روش‌های کنترل خشم را در ارتباط با اطرافیان بیاموزند. در این کلاس‌ها به زنان کتاب‌های مرتبط با موضوع داده شده و اقدامات عملی برای کنترل خشم ارائه می‌شود. چنین قدم‌های مثبتی به واقع می‌تواند چرخه خشونت‌های اکتسابی از مادر به کودک و در نهایت جوانان را متوقف کرده و راهی برای آگاهی زنانی باشد که تحت خشونت خانگی قرار دارند.